

صحیح و عم (۲۶)

۹۲ / ۱ / ۲۸

جلسه ۹۰

صحیح و اعم

چهارشنبه

سال سوم

پیشخوان

مبنای پنجم : مبنای شهید صدر

ما می گوئیم

شباهت: طبق هر دو مبناء جامع امری بسیط است

تفاوت و شباهت مبنای مرحوم بروجردی و مرحوم حائری

تفاوت: مرحوم بروجردی، جامع را **خضوع** می دانستند در حالیکه مرحوم حائری جامع را **تعظیم** می دانند

اولا: در **سائر عبادات** هم خضوع هست در حالیکه آنها نماز نیستند

ثانیاً: وجود نوعی خاصی از خضوع در **نمازهای فاسد** به همراه جهل مرکب نمازگزار

ثالثاً: به حکم تبادل ما به **افعالی که خاضعانه** انجام می شود می گوئیم صلوة و نه به **خضوع موجود** در آنها

اشکالات اصلی

ما
میگوئیم
(۱)

إن قلت: اشکال سوم متوجه مبنای مرحوم اصفهانی و مرحوم آخوند هم می شود

قلت : خیر

طبق مبنای اصفهانی - آخوند : همین رکعات **مصدق ذاتی** صلوة بودند
طبق مبنای بروجردی - حائری : خضوع با رکعات ذاتاً متفاوت هستند و خضوع **عارض** بر رکعات است
و لذا خود این بزرگواران، نام آن را، **جامع عرضی** گذاشته اند

إن قلت: مرحوم حائری به صراحت می نویسند : رابطه خضوع با نمازهای خارجی **رابطه کلی و فرد** است.
پس در آنجا هم می توان گفت اگر عرفاً به نمازهای خارجی می گوئیم، صلوة به سبب آن است که مصداق آن مفهوم کلی هستند

قلت أولاً: این که رابطه خضوع با نمازهای خارجی، رابطه کلی با فرد باشد، با جامع عرضی بودن سازگار نیست

قلت ثانياً: اگر رابطه را، رابطه کلی و فرد بگیریم، در این صورت این سخن، منافاتی با کلام آخوند - اصفهانی پیدا نمی کند.
یعنی سخن بروجردی و حائری صرفاً **رفع فی الجملة ابهام** از آن مفهومی است که آخوند و اصفهانی مبهم می دانسته اند

مرحوم شهید صدر جامع صحیحی ها را **جامع مرکب** می داند

مشکله بحث :

اگر فاتحة الكتاب را جزء صلاة بدانیم، در نماز اخرس چگونه حکم به صحت کنیم و اگر جزء ندانیم، در نماز انسان سالم چه بگوییم؟

حلّ مشکل : فاتحة الكتاب اگر چه یک وجود است ولی به انحاء متعدده معدوم می شود.

گاه انعدام **نسیانی** پیدا می کند، گاه انعدام **اضطراری** و گاه انعدام **اختیاری**

حال اگر بگوییم صلوة عبارت است از فعل مرکب (مثلاً رکوع + سجده +...) به شرطی که برخی از اجزاء آن اختیاراً معدوم نشده باشند :
در این صورت ما اجزاء را به حساب **حصص عدمی**، **مضیق** کرده ایم

در این صورت :

اگر آدم سالم غیر ناسی فاتحة الكتاب را نخواند = نماز را به جای نیاورده
اگر اخرس، فاتحة الكتاب را نخواند = می توان گفت او نماز را به جای آورد

جامع صحیحی طبق این بیان :

رکوع + سجود + تشهد + ... به شرطی که اختیارات ترک نشده باشند

۱. در مثل «**قصد قربت**» نماز بدون آن در هر صورت باطل است

۲. کسی که «**عن اضطرار**» وضو نمی گیرد ولی تیمم هم نمی کند،
«**فعل مرکب** به شرط عدم ترک اختیاری وضو» صدق می کند ولی نمازش باطل است

ظاهراً به همین جهت ایشان اجزاء نماز را **۵ دسته** می کند و در هر مورد به طور مجزاً وارد بحث می شود

ایشان ظاهراً خود متنبه می شوند که
این جامع راهگشا نیست
به جهت نقض در دو مورد :

ما می گوئیم

دلیلی ندارد جامع صحیح را، جامع از همه اجزاء و شرائط معتبر در صحت نماز بدانیم تا کسی بگوید بر «فاقد بعض اجزاء» صدق نمی کند

اوّل: قیودی که در صحت همه نمازها معتبر دانسته شده است مثل قصد قربت.

مثل: قصد قربت

حکم: این قیود در جامع صلوة دخیل است

دوّم: قیودی که در انجام نماز، یا خودشان و یا بدل تخییری آنها معتبر هستند.

مثل: سوره حمد و یا تسبیحات اربعه در رکعت های سوم و چهارم

حکم: جامع بین این قیود و بدل عرضی آنها، در جامع صلاتی دخیل است

سوّم: قیودی که در انجام نماز یا خودشان و یا بدل تعیینی آنها معتبر هستند

مثال: مثل وضو و غسل (برای حدث اصغر و اکبر)

حکم: جامع بین اینها در جامع صلاتی دخیل است. در حالیکه هر کدام مقید شده اند به موضوع خاص خودشان

شهید صدر

بلکه
جامع صلوة، جامعی
است مرکب از:

چهارم: قیودی که در نماز دخیل هستند و دارای بدل طولی هستند

مثال: قیام و بدل آن یعنی جلوس، یا وضو و بدل آن یعنی تیمم.

حکم: جامع بین اینها - در حالیکه حالت اختیار و اضطرار را در آن مقید کرده ایم - دخیل در جامع صلاتی است

ما می گوییم:

ظاهراً مراد ایشان از جامع، قدر مشترک نیست چراکه قدر مشترک را نمی توان مقید به اقسامش کرد

پنجم: قیودی که در نماز دخیل هستند ولی مربوط به حال اختیار هستند و اگر اختیار نداشتیم اصلاً بدل ندارند و ساقط می شوند.

مثال: «بسم الله الرحمن الرحيم» که در حال تقیه ترک می شود

حکم: این قسم را مشکل می توان در جامع صلاتی اخذ کرد

بلکه
جامع صلوة، جامعی
است مرکب از:

شهید صدر

صلاة در نگاه مرحوم صدر: فعلی که مرکب است از:

قصد قربت مطلقا [قیود دسته اول]

+ حمد یا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم [قیود دسته دوم]

+ رکعت سوم و چهارم برای حاضر و عدم این رکعت ها برای مسافر [قیود دسته سوم]

+ قیام برای مختار و جلوس برای مضطر [قیود دسته چهارم]

+ بسم الله به شرطی که اختیارا ترک نشده باشد [قیود دسته پنجم]

ما می گوئیم

(۱)

این همانند آن است که عرفا می گوئیم: قرمه سبزی وضع شده برای «گوشت مطلقا + لوبیا مطلقا + سبزی اسفناج یا شنبلیله»

جایی که مشکل پیش می آید: هر جا به تردید برخوردیم، دیگر جامع فلسفی نداریم

به عبارت دیگر اگر عنوانی نداریم که شامل اسفناج و شنبلیله شود، باید دوبار نامگذاری کنیم:

یک بار برای «گوشت + لوبیا + اسفناج» و یک بار برای «گوشت + لوبیا + شنبلیله»

مشکل در ما نحن فیه:

بین شیء و بدل آن (چه عرضی تعیینی و چه عرضی تخییری و چه طولی) جامع قابل تصویر نیست. و اینکه ایشان جامع بین تیمم در مضطر و وضو در مختار را مورد اشاره قرار میدهد، کلام کاملی نیست

پس کلام ایشان در قیود نوع اول و نوع پنجم قابل قبول است
ولی در سه نوع دیگر از قیود چون جامعی در کار نیست، باید به وضع متعدد در لفظ صلوة قائل شویم
و این به معنای اشتراک لفظی در لفظ صلوة است که ایشان خود قبول ندارد

به عبارت دیگر چون موضوع له، مفهوم است، اگر نخواهیم به اشتراک لفظی دچار شویم، باید یک مفهوم را مورد توجه قرار دهیم
و مفهومی که شامل «الف یا ب» شود باید قدر مشترک آنها باشد و اگر قدر مشترکی نداریم، جامعی هم نداریم

ما می گوئیم

(۲)

نکته آخر :

در مبنای صدر، صلوة ، واحد اعتباری است

واحد اعتباری در حقیقت امور کثیره است که ما آنها را واحد اعتبار می کنیم.

پس در حقیقت صلوة عبارت است از «مجموع اجزاء و شرائط» که در کلام ایشان با عنوان جامع مرکب از آن یاد شد.

اما چون «مجموعه الف» (... + قیام + ...) با «مجموعه ب» (... + جلوس + ...) مختلف هستند، لذا چنانکه گفتیم مبنای ایشان به اشتراک

لفظی می انجامد

ما می گوئیم

(۳)